

نگاهی به آخرین پژوهش‌ها و اندیشه‌های دکتر عبدالهادی حائری

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● مریم معزی

منابع و اسناد بسیاری در این مورد به صورت زیراکس در سفرهای تحقیقاتی استاد به چین و انگلستان گردآوری شده بود. این همه علاوه بر برگه‌هایی بود که به صورت دست‌نوشته در لابلای گنجینه‌برگه‌ها با علامت «دو رویه، جلد دوم» موجود بود. مقدار قابل توجهی نیز کتاب و دایره‌المعارف مربوط به این کشورها و ظاهراً در همان سفرهای تحقیقاتی خریداری شده بود که به نظر نمی‌رسید در ایران بتوان به آنها دست یافت.

دل‌وایسی‌های دکتر حائری از به پایان نرسیدن این کتاب و بر زبان راندن آن در حضور دوستان سبب شد تا در آخرین ماه‌های حیات وی، با پیگیری مرحوم دکتر محمد کاظم خواجه‌یوان (دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و معاون دانشجویی آن زمان دانشگاه فردوسی) و موافقت وزیر وقت آموزش عالی به ایشان مزده داده شود که گروهی به انتخاب خود استاد و با هزینه آموزش عالی به عنوان یک طرح پژوهشی کار وی را در مورد جلد دوم کتاب دو رویه تمدن بورژوازی غرب دنبال خواهند کرد. متأسفانه با درگذشت زودتر از انتظار دکتر حائری و فوت ناگهانی دکتر محمد کاظم خواجه‌یوان، این طرح که مراحل اولیه خود را طی می‌کرد مسکوت ماند.

مشکلات شخصی برخی از کسانی که برای به‌انجام رساندن این طرح در نظر گرفته شده بودند نیز تاکنون مانع از آن شده تا کار از سوی علاقه‌مندان دنبال شود. و این چنین انبوه یادداشت‌ها، منابع و اسناد زیراکس شده و

کارهای نیمه‌تمامی که از یک پژوهشگر پرکاری می‌ماند، در لحظات آخر زندگی، تمام فکر وی را به‌خود مشغول می‌کند، به خصوص که پیمانۀ عمر بسیار زود به آخر رسیده باشد. از استاد دکتر عبدالهادی حائری نیز کارهای نیمه‌تمامی باقی مانده است که یادآوری آنها در روزهای آخر حیات خشم آمیخته به یاسی را در وی ایجاد می‌کرد. کسانی که آن روزها از او در بیمارستان دینار کرده بودند، می‌دانند که یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های وی، به پایان رساندن این کارها بوده است. یکی از دانشجویان نقل می‌کرد: «در دیداری که با ایشان در بیمارستان داشتم، از استاد پرسیدم که در این روزها به چه چیز می‌اندیشید. پاسخ استاد این بود که سه موضوع به دنبال یکدیگر پیوسته در ذهنم تکرار می‌شود. نخست فکر بچه‌هایی که کوچک هستند، سپس کارهای نیمه‌تمام و سوم بیماری‌ام و بار دیگر این چرخه در ذهنم آغاز می‌گردد.» به عبارت دیگر اندیشه این کارهای نیمه‌تمام، بلافاصله پس از نگرانی درباره فرزندانش و پیش از مسئله بیماری و حیات خود استاد، برایش مطرح بوده است.

از میان کارهای ناتمام دکتر حائری آنچه فکر او را بیشتر به خود مشغول می‌داشت، جلد دوم کتاب دو رویه تمدن بورژوازی غرب بود. همان که جلد نخست آن به‌نام نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویۀ تمدن بورژوازی غرب، در سال ۱۳۶۸ عنوان کتاب برگزیده سال یافته بود.

جلد دوم این کتابی‌بایست در برگزیده رویارویی‌های اندیشه‌گران کشورهایایی همچون: هند، اندونزی، چین و ژاپن با دورویۀ تمدن بورژوازی غرب باشد.



کتاب‌هایی که وی در این راه فراهم کرده‌اند، باقی ماند تا شاید روزی جمعی علاقه‌مند و صاحب‌همت دنباله آن را پی گیرند.

از دیگر کارهای نیمه تمام استاد حائری چاپ مجموعه‌ای از مقالات ایشان به زبان انگلیسی است که بیشتر آنها در نشریات علمی و معتبر اروپایی و آمریکایی پیش از این چاپ شده‌اند. البته در کنار آنها، مقالات ارزشمندی نیز وجود دارد که تاکنون چاپ نشده و نشر نیافته‌اند. از جمله مقاله بلندی به زبان انگلیسی درباره اخباری گری و چگونگی تحول آن در آغازین روزگار آن حکومت قاجار بر ایران است. مواد این مجموعه اندکی پیش از ابتلای استاد به بیماری سرطان با طرحی اولیه کنار یکدیگر گزارده شده و فهرستی از مقالات بلندتر آن به شیوه‌ای که در خور چاپ یک کتاب باشد، برگزیده شده بود. استاد در ماه‌های آخر زندگی خود که از دستیابی مجدد به سلامتی ناامید شده بود، خواستار چاپ آنها گردید. کارهای اولیه آن نیز انجام گرفت و مجموعه مقالات برای ارزیابی به ناشر سپرده شد که متأسفانه چند ماه پس از فوت نویسنده، ناشر نیز با خردگیری بر برخی مقالات، حاضر به چاپ آنها نگردید.

اما آخرین کتاب دکتر حائری که با عنوان آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین، در تابستان ۱۳۷۴ از سوی انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد چاپ و منتشر گردید، کتابی است که ظاهراً نویسنده نوشتن آن را در سال ۱۳۶۷ آغاز کرده و بخش‌هایی از آن را نیز بصورت مقاله در «فصلنامه

مطالعات تاریخی» به چاپ رسانده است. ^۱ برابر تاریخ‌هایی که در آغاز و انجام قسمت‌های مختلف دست‌نوشته این کتاب باقیمانده است، دکتر حائری پس از بازگشت از سفری که برای درمان به کشور اتریش رفته بود و اتمام کار خاطرات خود تحت عنوان آنچه گذشت...، نقشی از نیم قرن تکاپو، به سرعت دست به کار به پایان رساندن این کتاب شده بود. اما آنچه عجیب می‌نمود، این بود که استاد از اتمام‌ماندن این کتاب، دست کم تا آنجا که ما می‌دانیم، با کسی سخنی نرانده بود. آخرین تاریخ قید شده بر روی دست‌نوشته یکی از فصول ناتمام این کتاب نیز درست یک روز پیش از بستری شدن وی در بیمارستان راشان می‌دهد؛ بستری که دیگر از آن برنخواست. آیا استاد بر این باور بوده که سرطان مجال به پایان بردن این کتاب را به خود وی خواهد داد؟ تا آنجا که می‌دانیم، روحی‌ای بسیار عالی داشت و حتی بر آن بود تا در بیمارستان و از روی تخت بیماری، به دانشجویان درس بدهد، چنانکه این کار را چند ماه پیش از آن نیز در خانمانجام داده بود. برنامه درسی ترم پاییزی گروه تاریخ‌شناسی ادبیات مشهد در سال ۷۲ نیز نام او را به عنوان استاد چند درس از برنامه دانشجویان کارشناسی ارشد نشان می‌داد. به هر روی در آخرین روزها که پزشک‌معالج از ناتوانی در درمان بیماری او در ایران سخن گفت، استاد تنها به همسرش یادآوری کرده بود که اندک پولی را که بابت قرارداد این کتاب چند سال پیش از ناشر دریافت کرده بود، باز پس بدهد و ظاهراً این از موارد بسیار نادری به شمار می‌آید که ایشان درباره اوضاع پس از مرگش سخنی بر زبان رانده بود.

در هنگام جمع و بستن‌بندی کردن برگه‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های مربوط به جلد دوم کتاب دورویه تمدن بورژوازی غرب استاد، پس از فوتش بود که حجم چشمگیری از یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌هایی از این کتاب بر خورد شد. از آنجا که این دست‌نوشته‌ها از نظر کمی و کیفی در حد جلد اول این کتاب می‌توانست باشد، تصمیم به چاپ آنها گرفته شد. پیگیری همسر نویسنده و علاقه ناشر سبب شد تا این کتاب از سرنوشت کتونی سایر کارهای ناتمام استاد برهد و در دسترس دوستداران آثار این پژوهشگر معاصر قرار گیرد.

کتاب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران معاصر، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین، در شکل کتونی اش شامل پنج فصل می‌شود. در حالی که برابر با فهرست پیش‌بینی شده اولیه خود استاد می‌بایست نه فصل و یک دیباچه را به شرح زیر در بر می‌گرفت: دیباچه: خاستگاه آزادی؛

فصل یکم: آزادی در پیوند با سرزمین هند؛

فصل دوم: آزادی در پیوند با افغانستان و آسیای میانه؛

فصل سوم: بازگویی ویژگی‌های آزادی در اروپا از سوی ایرانیان اروپا رفته؛

فصل چهارم: نیاز جامعه ایران به بنیادهای آزادی از دیدگاه اندیشه‌گران ایران؛

فصل پنجم: آزادی، گامی به سوی انقلاب؛

فصل ششم: مفهوم آزادی در درازای انقلاب مشروطیت ایران؛

فصل هفتم: مفهوم آزادی پس از انقلاب مشروطیت؛

فصل هشتم: مفهوم آزادی در روزگار پادشاهی رضاشاه؛

فصل نهم: مفهوم آزادی در سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۳۲ خورشیدی.

نویسنده خود در ضمن کار از این فهرست فراتر رفته و مطالب را گسترش داده است. چنانکه فصل دوم این فهرست عملاً به دو فصل جداگانه درباره افغانستان و آسیای میانه تقسیم شده است. یا فصلی افزون بر آنچه در بالا ذکر شد با عنوان «روند آزادی‌گرایی در باختر زمین» گنجانده شده است. استدلال نویسنده در افزودن این بخش و آوردن آن به عنوان فصل یکم، آن گونه که در طرح کلی کتاب آورده، چنین است:

«چون آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دو سده اخیر در پیوند

از میان کارهای ناتمام دکتر حائری آنچه فکر او را بیشتر به خود مشغول می‌داشت، جلد دوم کتاب دورویه تمدن بورژوازی غرب بود... جلد دوم این کتاب می‌بایست در برگزیده‌های روایی‌های اندیشه‌گران کشورهای همچون هند، اندونزی، چین و ژاپن با دورویه تمدن بورژوازی غرب باشد.



نگاهی به آخرین پژوهش‌ها و اندیشه‌های دکتر عبدالهادی حائری

با غرب بوده نیاز مندیم که فصلی را به سیر و دگرگونی‌های مربوط به آزادی در غرب اختصاص دهیم و سپس به چگونگی واکنش پارسی زبانان و شیوه‌ها داشت آنان از مفهوم آزادی خواهیم پرداخت.»
البته این فصل با وجود طولانی بودن شکل حاضرش، ناتمام است، زیرا در مقایسه با فهرست‌عناوینی که نویسنده در نظر داشته در این فصل یکتاچاند فاقد مطالب زیر است:

«آزادی اقتصادی و آزادی از دخالت دولت؛ واکنش نسبت به مرکز کانتالیسم و اهمیت آن تا پایان سده ۱۹؛ انواع [اعمال] ضدانسانی در انگلیس، فرانسه، آلمان و آمریکا؛ تاثیر کمونیسم و فاشیسم در توجه غربیه آزادی؛ مبارزه هیتلر و ماسولینی با آزادی؛ ادعای آزادی [گرایان] استالین ولی در عمل آزادی‌کشی».

دکتر حائری در این کتاب نیز از توجه به بورژوازی غرب و نقش آن در شکل‌گیری معنای نوین آزادی غفلت نورزیده است. چنانکه خود در همین کتاب به این مطلب اشاره کرده است: «روشن است که آزادی بمفهوم نوین یکی از موضوع‌هایی است که از دیدگاه ماباید در چارچوب رویه دانش و

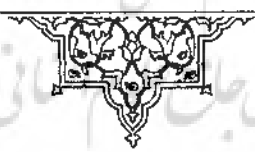


کارشناسی تمدن‌بورژوازی غرب بررسی شود.»
منابع مورد استفاده دکتر حائری در این کتاب، مانند همیشه، استفاده از دایره‌المعارف‌های معتبر و آخرین یافته‌های علمی در سطح بین‌المللی در کنار منابع دست‌نویس و نسخه‌های خطی‌ای است که بعضاً برای نخستین بار مورد استفاده و استناد یک پژوهشگر قرار گرفته است. فهرست بلند عناوین کتاب‌های مورد استفاده وی در این کتاب ناتمام مانند همیشه عجب‌انگیز است. اما برای کسی که از نزدیک بآبادداشت‌های وی آشنایی دارد این اعجاب بسی بیشتر می‌شود. چه به این نتیجه می‌رسد که نویسنده چندین برابر بیش از آنچه در نوشته‌هایش نمود یافته پیرامون آن کتاب به جستجو پرداخته است و ظاهراً این جستجو حتی با به چاپ رساندن آن کار نیز پایان نپذیرفته است. چنانکه در برگه‌ها و گوشه‌های کتاب‌هایش بسیار به‌صورتی برخورد می‌شود که در آن قید کرده است:

«مفید برای تجدید نظر در» فلان مقاله یا فلان کتاب. برای نمونه در یکی از برگه‌های کتاب‌شناسی وی، پس از نوشتن ویژگی‌های یک مقاله این جمله به چشم می‌خورد: «شاید مفید برای تجدید نظر در مقاله آسیای میانه». در حالی که این مقاله در سال ۱۳۶۸ بمچاپ رسیده و این یادداشت از روی تاریخی که خودنویسنده بنا بر عادت در آغاز یا انجام هر یادداشتی می‌گذاشته، مربوط به دو سال پس از چاپ آن می‌شده است.
شیوه نویسنده در این کتاب نیز همانند سایر نوشته‌هایش مستند و

از دیگر کارهای نیمه تمام استاد حائری چاپ مجموعه‌ای از مقالات ایشان به زبان انگلیسی است که بیشتر آنها در نشریات علمی و معتبر اروپایی و آمریکایی پیش از این چاپ شده‌اند.

از جمله مقالات ارزشمند دکتر حائری که تاکنون چاپ نشده، مقاله بلندی به زبان انگلیسی درباره اخباری‌گری و چگونگی تحول آن در آغازین روزگاران حکومت قاجار بر ایران است.



دیدگاهش بی‌طرفانه است، امانت‌گزینه‌ش عناوین پژوهشی این کتاب همچون دیگر آثارش کاملاً جهت‌دار است و نمایانگر چهره ایرانی-شیمی نویسنده با دلبستگی فراوان به آزادی و آزادی‌گویی است.

انگیزه دکتر حائری از پرداختن به موضوع آزادی، آن‌گونه که خود در برخی از مصاحبه‌هایش متذکر شده است، درک خلأیی بوده که وی در کار پژوهشگران غربی دیده است. از جمله وجود این نقیصه در چاپ دوم Encyclopaedia of Islam (دایره‌المعارف اسلام) و تذکر آن به دست‌اندرکاران این مجموعه فرهنگی سبب شد تا در پی درخواست آنان دکتر حائری مقاله‌ای تحت همین عنوان برای پیوست آن دایره‌المعارف بنویسد. ظاهراً به دنبال همین کار بود که علاقه پژوهشی وی نسبت به گسترش این تحقیق جلب شد و چنانکه گذشت منجر به گردآوری انبوهی از منابع و نوشتن بخشی از نتایج جستجوهایش در این راه شد.^۱

اما علت دلبستگی دکتر حائری به پژوهش درباره مفهوم آزادی را باید در دوردست‌های خاطراتش جستجو کرد. دست کم از آنجا که از چگونگی و چرایی عبور خود از مرحله «جولاهگی» و ورود به صحنه سیاست و نویسندگی سخن گفته است.^۲

از همانجا این نتیجه به دست می‌آید که وجود فریخته‌ای به نام دکتر عبدالهادی حائری خود برآیند آزادی‌های سیاسی و اجتماعی دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت بوده است و چه بسا که اگر این آزادی‌ها در آن روزگاران نبود، این طفل گریزان از مکتب و درس‌هرگز پا از دایره زندگی بسته جولاهگی بیرون نمی‌نهاد. اگر چه عمر این شیوه زندگی اجتماعی در ایران کوتاه بود اما تاثیر آن در ذهن نوجوان او ژرف و پایدار بود. به حدی که آزادی‌کشی‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد نتوانست‌وی را یکسره وادار به بازگشت به جایگاه پیشین کند. دوران درازمدت تحصیل در غرب و تسلط بر زبان انگلیسی نیز این فرصت را در اختیار وی نهاد تا با اندیشه‌های آزادی‌گرایانه اندیشمندان قرون ۱۸ و ۱۹ غرب از طریق مطالعه آثار آنان آشنا شود و هر سخنی پیرامون آزادی را از سر تامل بررسی کند. یادداشت‌های کوتاهی که وی در حواشی کتاب‌های این نویسندگان نوشته و در لابلای کتابخانه شخصی وی موجود است دلیل صق این مدعاست. دکتر حائری با شرکت در مجامع علمی و به خصوص به دنبال جستجوی کار در دانشگاه‌های غربی بیش از پیش با جناح‌بندی‌ها و باندهای غربی حتی در محافل روشنفکری و آکادمیک آشنا گردید. از این روی در پی شنیدن اخبار انقلاب اسلامی ایران و آهنگ دگرگونی‌های اجتماعی سیاسی آن یکبار دیگر به امید یافتن آزادی روانه ایران گردید.

پی‌نوشت‌ها:

۱- حائری، عبدالهادی: مفهوم نوین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در نوشته‌های پارسی آسیای میانه، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۶۴ (۱ خورشیدی)، ص ۳۶۸-۳۰۱؛ آزادی از دیدگاه پارسی زبانان افغانستان، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۶۹ (۲ خورشیدی)، ۶۳-۵ و ۱۷۷-۱۲۵.

2-Alexander Bennigsen, 'Marxism or Pan-Islamism Russian Bolsheviks and Tartar National Communists at the Beginning of the Civi War', Central Asian Survey, Vol. 6, no2 (1987), PP. 556

۳- از جمله در مصاحبه‌های رادیویی که از صنادی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مشهد، در ۲۶ تیرماه ۱۳۷۱ در برنامه‌ای به نام «مشاهیر خراسان» پخش شد.

4-A. Hairy, 'Azadi', El 2, Supplement Fascicules 1-2 (1980), PP. 107-111.

۵- حائری، عبدالهادی: آن چه گذشت... نقشی از نیم قرن تکاپو، تهران، ۱۳۷۲ خورشیدی، ص ۶۱ به بعد.